

مطالعه

# معارف کبائی

دیانت بهائی منشاء الهی دارد

جزوه سیزدهم

نوشته : دکتر ماشاء الله مشرف زاده

موسسه ملی مطبوعات امری

سال ۱۳۳۳ بدیع

## قابل توجه

در شماره اول جزوه ( مطالعه معارف بهائی ) از باران ونویسنده  
وصاحبان قلم دعوت وتقاضا شده بود که : هیئت تحریریه رامهون  
فضائل و کمالات خود داشته و در مباحث عقاید بهائی  
تعالم و احکام - تاریخ و یاد مباحث متنوع دیگر مقالات و جزواتی  
برای استفاده دوستداران حقیقت مرقوم به این لجنه ارسال  
دارند - اینک از یکی از دوستان راستان چند مقاله  
تحت عنوان ( دیانت بهائی منشاء الهی دارد ) و اصل که  
با عرض امتنان از نویسنده محترم در ردیف جزوات ( مطالعه  
معارف بهائی ) به تکثیر و انتشار آنها مبادرت میشود .

لجنه ملی انتشارات و مطالعات

مقدمه

خواننده عزیز و گرامی منظور از تهیه این دوره از جزوات که تحت عنوان ( دیانت بهائی منشأ الهی دارد ) منتشر میشود این است که با کمال واقع بینی و بی طرفی جنبه های مختلف آنها را که براهل بها وارد آورده و از جهت ارتباط این نهضت روحانی را با مسائل سیاسی عنوان کرده و بر این حزب مظلوم ستم رانده اند بررسی نمائیم و منشأ ایراد این نسبت های نارو را بر طالبان حقیقت

معلوم سازیم .

با طلوع باب اعظم و ظهور حضرت بهاء الله که محل هردو کشور مقدس ایران است چنانکه سنت <sup>طین</sup> پیغمبر الهی بر آن جاری است ، مقاومت و مخالفت بسیار شدیدی متعصبین علی الخصوص علمای دینی در مقابل این نهضت روحانی برانگیخته شد و این امر بدیع در معرض انواع بلیات و شدائد قرار گرفت و از جمله اقدامات مخالفت آمیز ، تألیف و نگارش کتب و جزوات متعدد و مقالات و رسا<sup>ئل</sup> فراوانی است که بمنظور رد و ابطال دیانت جدیده انتشار یافت .

با مطالعه این قبیل کتب و نشریات و قطع نظر از لحن شایسته کلام که در غالب آنها وجود دارد و همچنین تکرار مکررات و ذکر مطالب یکنواخت ، فقط از نظر تطبیق تاریخی محتوای آنها معلوم میشود که در کارردیه نویسی بر معتقدات بهائی دوره مجزی و کاملاً متمایز از یکدیگر وجود دارد . و این دو وضع مشخص

در دوره ای که توضیح خواهیم داد چه درباره کتبی که به حملات و انتقاد های شدید و نگارش مطالب بدون مأخذ و مینا اکتفا کرده اند و چه درباره مؤلفانی که در لباس تحقیق تاریخی و فن کتاب شناسی و نظائر این عناوین مطالبی منتشر میکنند کاملاً صدق مینماید. و ما توجه خوانندگان را به این نکته دقیق و مهم بدین سبب جلب کرده ایم که قبل از ورود در جزئیات مطلب را آنرا ضروری میدانیم و معتقدیم که عطف توجه به آن هر محقق منصفی را در وصول بمقصود بسیار کمک و یاری خواهد کرد.

قریب یک قرن، کتب و مقالات ردیه ای که در مقابل امر بهائیان نوشته شده عموماً جنبه دینی و اعتقادی داشت بدین معنی که مؤلفین آنها سعی داشتند از طریق تمسک به نوع انتظار شیعیان درباره قائم موعود و پاتخطئه و تحقیر صاحب الامر و تعالیم او بیانسنت دادن جنون و تعلم و نظائر آن بزعم خود جنبه الهی و روحانی دیانت رانگی کنند و مردم را از مطالعه آثار و معاشرت با پیروان ظهور جدید بازدارند ولی در دوره بعد که مقارن جنگ دوم جهانی آغاز شد لحن بسیاری از ردیه های منتشره علیه دیانت بهائیان تغییر یافت و درد و رانی که بازاری سیاست بازی در ایران شدید رائج بود و متاع تکفیر سیاسی بخوبی خریدار داشت منتهای کوشش بعمل آمده تا برای این نهضت روحانی صرف یعنی دیانت بهائی نیز منشاء سیاسی پیدا کنند و حس مخالفت و بدبینی عوام الناس که اتهامات سیاسی را بدون مطالبه دلیل و تحقیق درباره

صحت و سقم آن به آسانی می پذیرد علیه پیروان این دیانت بیست  
انگیزند . برای تحقق این منظور بعضی از کسانی که با بی  
اعتقادی و نیرنگ وارد جامعه بهائی شده و چون بمقصد خود که  
ریاست طلبی و نفاق افکنی بود توفیق نیافته و از جامعه بهائی  
رانده شده بودند بکمک و راهنمایی متعصبین مذهبی شتافتند  
و با استفاده از موقعیت خاص آن زمان و زود باوری مردم دست  
به تمهیدات تازه ای زدند و در پی های جدیدی ساختند و در  
پرداختن و به هموطنان ما اینطور القاء کردند که گویا دیانت  
بهائی بوسیله سیاستمداران روس و انگلیس و امریکا ساخته شده  
است و با سرچشمه اینهمه جاننازی و فداکاری و معارف و ادبیات  
روحانی بدیع و تعالیم عالیه انسانی ، مثلاً ، سفارتخانه های  
دول مذکوره میباشد . این دسته از مخالفان نوظهور امر  
بهائی برای تا لیف کتب و رسائل جدید و عبارت بهتر گوئیم  
برای ساختن و پرداختن جمعیات خود بتاریخ و مجموعه کتب و  
آثار بهائی مراجعه کردند و هر جا که به قرائنی برای تأمین  
منظور خود دسترسی یافتند بدون توجه بعلل و جهات روحانی  
و ادبی و تاریخی قضیه و بدون عنایت به اوضاع و احوال ایران  
در دوره قاجاریه قرائن مذکور را با هدف و مقصودی که قبلاً برای  
خود اختیار کرده بودند تطبیق دادند و بهیست و توسعه تخیلات  
و معمولات خود پرداختند غافل از آنکه حقایق مسلمه تاریخی  
را نمیتوان برای همیشه مکتوم نگاه داشت و با قلب ماهیت در پوششی

از تعصب و افتراء مردم ارائه کرد . نکته جالب دیگری که براهل بصیرت پوشیده نیست آنکه پس از جعل یکی دوجزوه که در سالها ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ مملو از دروغ و افتراء انتشار یافت بسیار از کسانی که علاقه به هنرنمایی در این میدان و تظاهر به تحقیق علمی درباره امر بهائی داشتند بدون فکر و اندیشه ، با تقلید و اقتباس از جزوات مجعوله مذکور و حتی رونویسی از آنها به نشر کتب و نوشته های ردیه متعذر دیگری با اسامی و عناوین جدید پرداختند تا آنها هم گوئی در این میدان زده و به اجر و پاداش مادی و معنوی نائل شده باشند .

گرچه پاسخ مشروح و مفصل به اینگونه مفتریات در نشریه های بهائی داده شده و بعضی از دانشمندان و محققان بی نظرایرانی هم مجعول بودن آنها را متذکر شده اند معذک برای آنکه اثری از این اندیشه و اعتقاد ناصواب که دیانت بهائی سیاسی است در ذهن هموطنان ارجمند باقی نمانده و قطع نظر از استدلال بر حقیقت دیانت بهائی فقط بمنظور رفع کامل این شبهه ، نشر این سلسله از جزوات میبرد ازیم .

بدیهی است که پایه این نشریات براه اختصار گذارده شده است و برای کسب اطلاعات مشروح تر و دقیق تر بایستی به کتب دیگر مراجعه نمود . در این نوشته ها ابتدا بوضع سیاست زمان اشاره مختصری به عمل خواهد آمد و سپس کیفیت ایجاد و انتشار دیانت بابی و بهائی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت ، بعد موارد و عللی که

ملاحظه می‌شود تفاهم و ایرادات بعضی از نفوس گشته است با توجه  
به میزان عقل و حقایق تاریخی سنجیده خواهد شد و برای روشن  
ساختن آن گفتگو خواهد رفت و محترسهولت حتی الامکان تقدم  
تاریخی و قایع در نظر خواهد بود .



جزوه اول

عهد اعلی (۱۲۶۰-۱۲۶۰ هـ ق ۵۳ - ۱۸۴۴ میلادی)  
ظهور حضرت باب اعظم در سده ۱۲۶۰ هجری قمری مطابق  
با ۱۸۴۴ میلادی در سن ۲۵ سالگی در شیراز واقع گشته و در آن  
زمان محمد شاه قاجار در ایران سلطنت میکرده است.  
در آن هنگام کشور مقدس ایران تحت نفوذ کامل سفرای روس و  
انگلیس بود و آنها هر کدام بنحوی در جزئیات امور مملکت مداخله  
مینمودند و حتی با مطالعه تاریخ معلوم و واضح میگردد که حرکت  
محمد شاه از تبریز به طهران و بتخت نشستن او نیز با کمک و مساعدت  
سفرای روس و انگلیس صورت گرفته است بطوریکه یکی از مورخین  
خارجی معاصر آن زمان مینویسد: "سفرای روس اظهار داشت که با  
توسل به قوای مسلح او را بتخت خواهد نشاند و اقدامات مؤثر سر  
جان کمپبل )

SIR GOHN CAMPBELL

سفرای انگلیس مقیم تبریز او را متقاعد نمود که احتیاجی بتوسل به نیروی  
نظامی نیست".

صدر اعظم زمان نیز حاجی میرزا آقاسی بوده است که بنا بر نوشته همان  
مؤلف "آقا معلم سابق بنا بر شاه امور مملکت را اداره میکرد و گاهی  
نسبت به ارباب خود بقدری گستاخ بود که هر موقع ناراضی بیتی

---

(۱) - تاریخ قاجاریه نوشته رابرت گرانث واتسن ترجمه عباس

پیدا میکرد به اوتاب مینمود <sup>۱</sup>

در مورد خلاصه وضع مملکت در آن زمان یکی از مؤلفین انگلیسی مینویسد "ایران . . . . . در قرن هجدهم و نوزدهم بحضیض انحطاط و ذلت تدنی نمود کوکب آثار باهره و عظمت قدیمه اش آفل شد نظام حکومت مختل گردید و خزائن مالیه اش بخالیه<sup>۲</sup> خاویه . اولیاء امورش ظالم و سفاک و بی کفایت و بی تدبیر علما<sup>۳</sup> در کمال تعصب و غرور و عوام بفایت جاهل و موهوم پرست . . . . . امور اجتماعی و مذهبی در اضمحلالی شدید . تربیت بکلی معوق و مهمل . علوم و صنایع غربی را بنظر محقر بلکه مخالف با مذهب و شریعت . بنیان عدل و انصاف متزلزل و سرقت و نهب از امور عادی در طرق و معابر مسافر را امنیت مفقود و وسائل حفظ الصحه بکلی ناقص و مختل <sup>۴</sup> در چنین موقعی از تاریخ ایران حضرت باب از شیراز ظهور فرمود . و بد نیست به مؤلف تاریخ قاجا ریه در این مورد نیز استشهاد شود که مینویسد : " در این اوقات برای اولین بار به شخصی بومی خوری که اسمش در تاریخ ایران جاودانه است . در مشرق زمین که منشاء ظهور عقاید مذهبی است مرد مقدس با ایمانی ظهور کرد که صدها هزار نفر از اهل مملکتش را تحت قدرت روحانی خود در آورد . این شخص سید علی محمد

(۱) تاریخ قاجا نوشته واتسن ص ۲۳۲

(۲) از ترجمه جدید دکتر اسلمنت ص ۱۳ و ۱۴

نام داشت و از سلالهٔ پیغمبر بود. پدرش بزّاز و از اهل شیراز بود و تعلق بیک خاندان روحانی داشت. . . هر چند مذهب بابی در ایران مردود شناخته شده ولی افول و زوال آن بسیار بعید بنظر میرسد. در مقام مقایسه متابعین باب را از پیروان محمد (ص) میتوان مؤمن‌تر دانست. در روزگار صباوت این مذهب بیش از آغاز مسیحیت شایع و منتشر گشت. ( ۱ )

اگر کسی گمان کند که ظهور حضرت باب منشاء سیاسی داشته و وسیلهٔ سیاسیون خارجی ساخته و پرداخته و تقویت شده است چند اشکال پیش می‌آید که بطلان گمان مزبور را واضح و روشن میسازد از این قرار:

- ۱- در هیچ جای تواریخ مدوّنه اعم از مخالف یا موافق کوچکتر اشاره ای دالّ بر اینکه حضرت باب با مقامات خارجی زمان ارتباط و یا حتی ملاقات فرموده باشند نمیتوان یافت.
- ۲- اگر نهضت بابی منشاء سیاسی داشت قاعدتاً میبایست در پیروان اولیهٔ آن عدّهٔ زیادی از سیاسیون مخصوصاً ناراضیان سیاست وقت موجود باشند نه اینکه یک‌عهده طلبهٔ از دنیا گذشته که قسمت اولیهٔ عمر خود را در کربلا در مکتب سید کاظم رشیدی صرف کرده اند یا اینکه یک‌عهده کسبه و تاجر که اصلاً در قضایای سیاسی تماس و نفعی نداشته اند پیش آهنگ آن نهضت شوند اینان بنحو حیرت‌آوری جانبازی کرده اند و حال آنکه هیچ کس

حاضر نیست برای خوش آیند هیچ مقامی و یاد مقابل هیچ قیمتی  
از جان خود بگذرد

۳- یاد رنظر گرفتن اینکه سیاستهای خارجی همواره از اقدامات  
خود منظور و هدفی داشته و دارند و بدون هدف و مقصود -  
بهیچ اقدامی مبادرت نمیورزند حال این سؤال پیشتر میآید  
که اگر آنها نهضت بابی را برپا نموده باشند منظورشان چه  
بوده است ؟

اگر تصور کنیم که منظور آنها ضعیف کردن اسلام بوده است و  
اشکال پیش می آید :

اول آنکه اسلام دوره تجزیه حکومتی قبلاً از مرکز خلافت

یعنی ترکیه شروع شده و با سرعت شدیدی پیش میرفته است.  
اوج ترقی اسلام بعد از قرون وسطی در زمان سلیمان اول و محاصر  
وین بوده است تا اینکه در قرن ۱۸ این ترقی متوقف و معالیه  
متعدددهای بتدریج از آن منتزع شده اند چنانچه بحران یونان  
از ۱۸۱۰ تا ۱۸۲۹ جریان داشته و در سال اخیر منتهی به جدائی  
آن گردید. الجزیره در سال ۱۸۴۴ بوسیله فرانسه فتح  
و اشغال شد. رومانی در سنه ۱۸۵۶، بلغاری در سنه ۱۸۷۸  
مراکش در سال ۱۹۱۲، طرابلس در سال ۱۹۲۱، شام در سال  
۱۹۱۹ و بالاخره بتدریج تمام شبه جزیره عربستان از تحت تسلط  
خلیفه خارج و بتدریج منتزع و مستقل شدند و با در تحت قیمومیت  
دول خارجی غیر مسلمان قرار گرفتند، بنابراین اگر فرض شود که

منظور تجزیه امپراطوری اسلام که اروپا را تهدید میکردند است بوده  
قاعده تأسیسات این نهضت در مرکز خلافت تأسیس و در بین سنیها  
ایجاد شود و حال آنکه آنچه واقع شده کاملاً بعکس این گمان  
بوده و تجزیه حکومت اسلامی قبل از ظهور حضرت باب شروع شده  
و بطور مستقل از این نهضت با سرعت ادامه داشته است و مهتر  
آنکه هیچ کدام از جنگها نیکه منتهی به این انتزاعات شده چه  
مستقیماً و چه غیر مستقیم کوچکترین ارتباطی با ظهور باب نداشته  
است.

دوم آنکه با در نظر گرفتن اینکه ایران و عثمانی در دو قطب اسلام  
و از لحاظ فروع عقاید دینی با یکدیگر متفاوت بودند و از نظر سیاسی  
نیز اختلافاتی که حتی منجر به نزاع و محاربه گردیده بود داشتند  
ضعیف کردن اسلام چنین ایجاب مینمود که ایران تقویت و بر علیه  
ترکیه تحریک شود تا از تصادفات خونی بین این دو هر دو طرف  
ضعیف شده و تسلط بر هر دو سهل و آسان گردد و حال آنکه ایجاد  
یک فرقه جدید در ما بین شیعیان که نسبت بترکیه هم از نظر  
تعداد و هم از نظر میزان تمسک و روحیه دینانی ضعیفتر بوده اند  
جز اینکه وضعیت ترکیه را فائق بر ایران کند و بالنتیجه مرکز  
اسلام را تقویت نماید نتیجه دیگری نداشت. حال اگر گمان شود  
که منظور آنها از ایجاد نهضت بابی ضعیف کردن ایران بوده  
است باز ملاحظه میگردد که از نظر سیاسی چنین کاری مخالف با  
روش و مسیر سیاست روز خارجیها بوده است. زیرا که هدف

مشترك سياست دول اروپا و روسيه ضميمه كردن عثمانى و اخراج آن دولت از اروپا بوده است تا اينكه از طرفى يونان براى نفوذ دول مد پترانه يعنى انگليس ، فرانسه و ايطاليا آزاد شود و روماني بطور خاص براى نفوذ روسيه منتزع گردد و ساير نقاط شبه جزيره بالكان نيز براى نفوذ هردو طرف مورد استقاده قرار گيرد و روى اين اصل سياست همه آنها ايجاب مينمود كه ايران تقويت شود و نسبت به عثمانى استقلالش محفوظ باشد و عملاً هم همين كار را كردند . پنا براين واضح است كه هيچيك از دول شمالى و جنوبى در ضعيف كردن ايران نسبت به عثمانى علاقه اى نشان نداشته اند كه چنين نهضتى را براى منظور خود ايجاد كنند .

۴ - اگر تصور شود كه دولت انگليس چنين نهضتى را ايجاد کرده است بايستى در نظر داشت كه پس از استقرار نفوذ اين دولت در هندوستان كشور انگليس بطور خاص علاقه مند بحفظ امنيت و استقلال ايران بوده است تا اينكه از بسط نفوذ رقيب خود يعنى روسيه در ايران و پيشرفت آن بطرف خليج فارس جلوگيرى كردم باشد . بعلاوه همان طور كه در ابتداى مقال گفته شد اولاً كوچكترين انتساب و آشنائى و پيملاقات سياسى بين حضرت باب و پيروان اوليه ايشان و مقامات انگليس صورت نگرفته ثانياً در تواريخ و نوشتجات مخالفين اوليه نهضت بابى نيز با وجود يگانگى كه از هيچگونه توهين و تهمت و افتراءى خود دار نكرده اند چنين نسبتى را به آن حضرت و پيروان اوليه اش نداده اند . ثالثاً در هيچ مورد حضرت رب اعلى و پيروان نشان مورد مساعدت و توجانيدار عمال انگليس قرار نگرفتند .

را بهماً روش و حالات و سجایای حضرت واحکام و تعالیم مبارک شان بهیچوجه مؤید انجام و یا تسهیل منظورات سیاسی سفرای انگلیس نبوده و بطور کلی میتوان گفت که نسبت دادن منشاء دیانت مقدس بابی بسیاست انگلیس يك امر بدیهی البطلان میباشد .

۵- اگرچنین تصور شود که دولت روسیه چنین نهضتی را ایجاد کرده است این تصور نیز با در نظر گرفتن اینکه شروع دیانت مقدس بابی از شیراز که در جنوب ایران و تحت نفوذ رقیب روسیه بوده سرچشمه گرفته باطل میگردد زیرا هیچ عاقلی میدان نفوذ رقیب را - برای بسط نفوذ او تسهیل و هموار نمیکند و بعلاوه تمام آنچه که در ماده ۴ ذکر شد در اینجا نیز مصداق دارد که از تکرار آن خودداری میشود . ضمناً در مورد کتاب مجعول اعترافات کینیاژد الگورگی خوانندگان محترم را بجوانی که محفل مقدس ملی ایران در بطلان - آن داده است احاله داده و بطور خلاصه متذکر میشویم که : شخص مزبور طبق دایره المعارف روسی در آخرین سالهای قرن ۱۸ تولد یافته و بر طبق روضة الصفاى ناصری در سال ۱۲۶۱ هجری قمری ( ۱۸۴۵ ) میلادی یعنی یکسال بعد از اظهار امر حضرت بابیست وزیر مختار روسیه وارد ایران گشته است عایدهذا نمیتوانسته مشوق حضرت ربّ اعلی گردد و با وقت درد و کتاب چاپ خراسان و طهران و مشاهده اختلاف بین آن دو و مقایسه با حقایق تاریخی واضح و مبرهن میگردد که کسانی که آن دو را درست کرده اند عاری از اطلاعات و وقت

تاریخی بوده اند و روی این اصل:

اولاً مترجم و یا مترجمین معلوم نیستند و محلّ نسخه و مدارك اصلی نیز مشخص نمیباشد.

ثانیاً در نوشته های مستشرقین و مورّخین که راجع بدیانت بابی مطالبی نوشته اند مانند تومانسکی ژوکوسکی، کاظمی، الكساندرو قاسوویچ از روسیه و کنت و گیبینو از فرانسه واد وارد برون از انگلیس در مورد این جزوه چیزی نوشته نشده.

ثالثاً در صفحه ۱۵۵ چاپ خراسان مینویسد: باب در اول می ۱۸۴۴ از بوشهر بمن نامه نوشته و حال آنکه هیکل مبارک در آن موقع در شیراز تشریف داشتند و تازه او همانطوریکه ذکر شد در سال ۱۸۴۵ به ایران وارد شده.

رابعاً در صفحه ۱۵۶ چاپ خراسان مینویسد "اول کسی که با او مخالفت کرد پدرش بود" و حال آنکه میدانیم ابوی حضرت اعلی در صباوت ایشان فوت نمود. و روی این اصل در نسخه چاپ طهران که یکسال بعد چاپ شد هکلمه پدرش را تبدیل به کسانش میکند و حال آنکه میدانیم که هیچ يك از کسان حضرت بابها ایشان مخالفت نکردند.

خامساً در صفحه ۱۵۷ چاپ خراسان میگوید "سید رادرجهریق بدار کشیدند" که عاری از صوابست.

سادساً پس از شرح یکسال اقامت در طهران و مسلمان شدن مینویسد که در سن ۲۸ سالگی ختنه کردن برای من خطر دارد و -



حال آنکه اگر آخرین سال قرن ۱۸ نیز متولد شده باشد بایستی در آنموقع ۲۷ ساله باشد و عجیب است که سن خود را نمیدانسته. سابقاً امپراطور روسیه زمان الکساندر دوم معرفی میکند و حال آنکه نیکلای اول بوده مثل اینکه شاه خود را هم نمی شناخته .

ثامناً در صفحه ۱۴۵ اقرار میکنند به اینکه مسلمان و متقی حقیقی شده بود و بعد در چند جا اقرار میکنند که این کار را برای ایجاد

تشتت و تضعیف اسلام کردم . کدام يك را باید باور کرد ؟

تاسعاً میگوید که قائم مقام و حکیم احمد گیلانی در سال ۱۲۵۱

بد سینه من مقتول شدند و حال آنکه در آنموقع هنوز بطهران -

نیامده بود و یامزه اینجا است که میگوید شبها در منزل حکیم احمد

گیلانی جلسه داشتیم و میرزا حسینعلی و میرزا یحیی نیز میآمدند -

و من با آنها در آنجا آشنا شدم و حال آنکه در آن موقع ( طبق تاریخ )

جمال مبارک ۱۸ ساله و ازل هم ۶ ساله بوده است .

عاشراً تفسیر سوره عم راهبه حضرت باب نسبت میدهد که اصولاً

ایشان چنین تفسیری ننگاشته اند .

خلاصه موارد ضد و نقیض و اشتباهات واضح تاریخی در این

جزوه بقدری زیاد است که هر انسان عاقلی به مجعول بودن آن

پی میبرد بنحویکه حتی مرحوم کسروی نیز که خود از مخالفین امر

بهائی بوده و در رد این امر کتاب نوشته است شرحی در اثبات

جعلیت رساله مزبور آورده است . و بالاخره پس از مدتی تمام آنرا

از زمین مردم خود جا علین جمع نموده و از زمین بردند .

انشاء الله در جزوه " عهد ابهی " نیز تا آنجا که بدوران حیات جمال قدم مربوط است راجع به معمول بودن این رساله خواهد نگاشت .

۶- اگر پسر از یاس از شمال و جنوب بالا خره چنین تصور شود که ترکیه عثمانی بمنظور تضعیف ایران چنین نهضتی را برانگیخته به این نکته بر میخوریم که در آن موقع ترکیه بقدری مشغول به حدود و شعور متلاشی شونده اروپائیش بوده که ابدأ توجهی بایران نداشته ، بعلاوه ایران در آن زمان آنقدر ها قوی نبوده که ترکیه با این گرفتاری در اروپا اوقات و پول خود را صرف این کارها بکند .

۷- با توجه بسیر تاریخی نهضت عظیم بابی که مقدم بر ظهور حضرت بهاء الله بوده و با در نظر گرفتن اینکه مظهر ظهور بعد طبق و عود قبلی اظهار امر نموده و هر کدام از آنها و پیروانشان در انواع نامالیقات و شکنجه گردیده و در مقابل این صدمات کوچکترین پاداش صوری نداشتند این تسلسل و این استقامت خارق العاد حکایت میکند بر اینکه این نهضت بهیچوجه جنبه سیاسی و مادی نداشته و صرفاً " روحانی بوده است . تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل .

طهران مهر ماه ۱۳۵۴ د کتر مشرف زاده